



ارزیابی قوت ضعف مولفه های شهرسازی عصر صفوی در مقایسه با عصر آذری و تهران^۱

ملیحه احمدی^۲

حسین حیدری قرجه قیایی^۳

چکیده

از دیدگاه اغلب تحلیل گران ایرانی، شرایط اقلیمی جغرافیایی حاکم بر فلات ایران تاحدود زیادی با نوع ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در ایران تکوین یافته، ارتباط دارد و سیاست حاکمه تحت تاثیر اقلیم و جغرافیا شکل گرفته است. بنابراین امروزه توجه به ساختارهای جغرافیایی و اقلیمی و تطابق شهرنشینی بر آن جزو جدایی ناپذیر برنامه ریزی شهری محسوب می گردد. تحقیق حاضر نیز مبتنی بر چنین رویکردی به روش توصیفی-تحلیلی سعی در پی بردن به عوامل پایداری شهرنشینی گذشته ایرانی دارد. بر این اساس شهرنشینی دوران صفویه را به عنوان مورد مطالعاتی انتخاب نموده و به بررسی شاخص ها و معیارهای دوران مذکور در مقایسه با ادوار ما قبل و مابعد از خود می پردازد. شناسایی معیارهای درونی و بیرونی تحقیق که شاخص های شهرنشینی را تشکیل می دهند به روش SWOT انجام گرفته و در نهایت با رتبه بندی به شیوه سلسله مرتبی AHP یافته ها ارزش گذاری و طبقه بندی می شود. نتایج بدست آمده نشانگر این نکته است که سبک اصفهان در شهرسازی علاوه بر انطباق کامل با محیط جغرافیایی خود و شکل گیری آن در انطباق با جغرافیای سرزمینی و شرایط تاریخ و هویتی دارای بالاترین امتیاز نسبت به سبک شهری آذری و تهران می باشد. در این رهگذر سبک تهران که سرآغاز ورود بی برنامه شهرسازی منطبق بر نیاز بازار سرمایه داری در ایران است پایین ترین امتیاز را در عناصر شهرسازی به خود تخصیص می دهد. در این میان باید گفت که بالاترین امتیاز میان شاخص های قوت و ضعف در سه سبک مذکور متعلق به نقاط فرصت شهرسازی (۰,۵۰۷) عصر صفوی است. در واقع شرایط بیرونی شهر اصفهان چون امنیت حکومت مرکزی، عملکرد بازار، شرایط اقتصادی و... تاثیر بیشتر در شکوفایی این سبک نسبت به دو سبک دیگر شهرسازی داشته است

۱- این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی و ارزیابی عوامل موثر در شهرسازی دوره صفویه (نمونه موردی: اصفهان) که در شهریور ماه ۱۳۹۵ با موفقیت دفاع شده است.

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه اسلامی واحد شهرقدس.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس.

واژگان کلیدی: مولفه های شهرسازی، عصر صفوی، عصر آذری، تهران.

بیان مسئله:

در مطالعه تاریخ ایران با نقاط عطف بی شماری روبرو می شویم که شناسایی آنها مهم به نظر می رسد. موفقیت ها، سربلندی ها، شکست ها و ویرانی ها که بارها در تاریخ ایران تکرار شده، نشانه های این نقاط می باشند. در این میان توجه به طرح های محلی و منطقه ای نیز جایگاه ویژه ای در تحقیقات برای خود یافته است، به گونه ای که بازنگری در تاریخ گذشته یک شهرها به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک کشور یکی از راه های مطمئن جهت بررسی وضعیت فرهنگ و تمدن آن کشور می باشد. اصفهان به واسطه قرار گرفتن در یکی از بهترین مناطق در مرکز جغرافیایی ایران با آب و هوایی معتدل، خاک حاصلخیز و آب انبوه زاینده رود و مهمتر از همه قرار گرفتن اصفهان در چهار راه تجارتي و دوری از مرزهای ایران بارها توسط حکومت های مختلف به عنوان پایتخت انتخاب گردیده است که می توان از دوران مجد و عظمت آن در ایام حکومت آل بویه و سلجوقیان نام برد که آثار و ابنیه موجود در این شهر از این دوران خود گویای ترقی و عظمت شهر در این سالها می باشد.

اما بزرگترین و مهمترین نقطه اوج تاریخ طولانی و غنی اصفهان بی شک از سال ۱۰۰۱ هـ ق آغاز شد، این دوران که تا سال ۱۳۳۵ هـ ق یعنی سال سقوط صفویان به دست افغان ها به طول انجامید، دوره ای است که نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور در اصفهان که پایتخت ایران به حساب می آمد. شکل و بالندگی تازه ای یافت و علوم و معارف و دستاوردها و میراث جاویدان و خدمات بی اندازه ایران و ایرانیان به بشریت، یک بار دیگر در دامن دایه ای چون اصفهان نهاده شد و این دایه چنان از این میراث نگهداری نمود و آن را پرورش داد که بدون شک امروزه در هر کجای عالم که نامی از معماری و شهرسازی ایران برده می شود، نام اصفهان نیز به دنبال آن خواهد آمد. بر این اساس اصفهان یکی از مهمترین و مؤثرترین شهر در شکل گیری تحولات کشور از دیر باز مورد توجه سیاحان و نویسندگان تاریخهای عمومی و محلی بوده است و در کتب مختلف گاه به صورت گذرا و گاهی طولانی مورد عنایت و توجه قرار گرفته است. شهر اصفهان در دوره صفوی مصداق «آنچه خوبان همه دارند، وی افرون دارد» شده، شهره و آوازه آن در سراسر اروپا و شرق آسیا پیچیده شد. بدون شک همین شکوفائی